

انقلاب اسلامی و چشم‌انداز پویایی سیاسی و هویت‌گرایی شیعیان مصر

حمید نیکو^۱

چکیده

شیعیان مصر از اقلیت‌های بومی این سرزمین به شمار می‌روند و مداومت تاریخی هویت‌گرایی آنها در مصر بیان‌گر این است که پیروان این مذهب در تاریخ تحولات مصر نقش اساسی داشته‌اند. فرهنگ سیاسی مردم مصر نیز در پذیرش اجتماعی و فرهنگی تشیع منعطف بوده است. با این حال، شیعیان با چالش‌های اجتماعی و سیاسی نیز مواجه بوده‌اند که دلیل آن تسلط سنی‌ها بر نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مصر بوده است. اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران شیعیان مصر نیز مانند بسیاری از شیعیان جهان از قابلیت‌های فرهنگی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران بهره‌مند شده و در احیای هویت‌های فرهنگی و مذهبی خود اقدامات چشم‌گیری انجام دادند و در انقلاب مصر نیز جلوه‌هایی از پویایی سیاسی و هویت‌گرایی را بروز دادند. روندهای موجود در جامعه شیعه مصر نشان‌گر آن است که شیعیان به رغم چالش‌های کنونی، در احیای هویت سیاسی خود، دستاوردهای مهمی خواهند داشت.

۱. پژوهشگر مسائل جهان اسلام



جمعی از یاران حضرت علی (ع) مانند ابوذر غفاری، مقداد بن اسود کندی و ابویوب انصاری در فتح مصر به دست سپاه اسلام حضور داشتند. عمار یاسر نیز در زمان عثمان به مصر آمده بود، اما در دوران متوکل عباسی وضعیت شیعیان در مصر وخیم شد. در همین دوران و در زمان ولایت یزید بن عبدالله ترکی، بنا به دستور متوکل علویان و شیعیان از مصر به عراق تبعید شدند. اما ذکر این نکته مهم است که تاریخ حضور شیعیان در مصر به درستی روشن نیست، به ویژه اگر تنها به حضور شیعه امامیه یا اثنی عشری پرداخته شود. در مورد سایر فرقه‌ها مانند اسماعیلیه، بهره و زیدیه که از شاخه‌های دیگر شیعه به حساب می‌آیند، مسئله وضوح بیشتری دارد.^۱ اسماعیلیان با حکومت فاطمیان در شمال آفریقا سر بر آوردند، در میانه راه به مصر آمدند و حکومت آنها به اوج رسید و در شام غروب کردند. المعز، خلیفه فاطمی در سال ۳۶۲ به قدرت رسید و حکومت فاطمیان در مصر به طور رسمی آغاز شد. با فتح مصر به دست فاطمیان، خلفای فاطمی به گسترش و نشر مذهب اسماعیلی همت گماردند و مذهب اسماعیلی، مذهب رسمی آن سرزمین شد. روی کار آمدن دولت‌های شیعی در مصر، به ویژه فاطمیان، موجب تقویت جایگاه تشیع در این کشور شد. مسجد جامع الازهر که توسط فاطمیون بنا شد، به بنای باشکوه علمی و معنوی اهل سنت در تمام جهان اسلام تبدیل شد. همچنین مصری‌ها، احیای مراسم ولادت و توجه به مناسبت‌های مربوط به اهل بیت را از فاطمی‌ها به ارث بردند. صلاح‌الدین ایوبی با ورود به دستگاه خلافت فاطمی، از طریق اقدامات نظامی و فرهنگی (مانند برخورداری از حمایت علما و ساخت و تقویت مدارس علمیه اهل سنت) سازمان‌های دینی و اسماعیلی را تضعیف و اهل سنت را تقویت کرد. به رغم این گونه اقدامات نتوانست مذهب تشیع را در مصر کاملاً محو کند. در واقع، جلب رضایت خلافت عباسی و تعصب سنی‌گری صلاح‌الدین ایوبی دو عامل مهم تلاش وی برای براندازی تشیع در مصر به شمار می‌رود.^۲ با سقوط دولت فاطمی در سال ۵۶۷ هـ.ق تشیع محدود و مصر به نظام اهل سنت بازگشت. اشتباهات و بی‌توجهی‌های فاطمیان و سپس روی کار آمدن ایوبیان در مصر و شمال آفریقا موجب از میان رفتن میراث شیعی این سرزمین و تعقیب و کشتار شیعیان شد. با وجود فعالیت ایوبیان برای از میان بردن آثار شیعیان،

۱. حجت‌الله جودکی، «فراز و فرود شیعیان مصر»، ماهنامه علوم انسانی مهرنامه، ش ۱۱، اردیبهشت ۱۳۹۰، <http://www.mehrnameh.ir>.

۲. داود کاظم‌پور، «وضعیت شیعیان مصر در عصر صلاح‌الدین ایوبی»، سامانه نشریات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، س ۵، ش ۲، تابستان ۱۳۷۸، <http://tarikh.nashriyat.ir/node/532>.





به رغم آزادی نسبی شیعیان در مصر از دهه ۱۹۴۰ تا اواخر دهه ۱۹۷۰، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران فشار علیه آنها افزایش یافت. حقوق‌شان در آزادی بیان اعتقادات دینی به رسمیت شناخته نمی‌شد، از ایجاد تشکیلات دینی و اجتماعی منع شدند و از اواسط دهه ۱۹۸۰ تحت پیگرد قانونی قرار گرفتند. حسنی مبارک بیشتر شیعیان را به پیروی از ایران و نه دولت خود متهم می‌کرد

ریشه‌های فرهنگ شیعی در مصر همچنان باقی مانده است. بسیاری از شیعیان مصر بر باورهای خود باقی مانده‌اند و بسیاری در تقیه بوده‌اند یا در پوشش اندیشه‌های صوفیانه زیسته‌اند.

به رغم آزادی نسبی شیعیان در مصر از دهه ۱۹۴۰ تا اواخر دهه ۱۹۷۰، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران فشار علیه آنها افزایش یافت. حقوق‌شان در آزادی بیان اعتقادات دینی به رسمیت شناخته

نمی‌شد، از ایجاد تشکیلات دینی و اجتماعی منع شدند و از اواسط دهه ۱۹۸۰ تحت پیگرد قانونی قرار گرفتند. حسنی مبارک بیشتر شیعیان را به پیروی از ایران و نه دولت خود متهم می‌کرد. سنی‌های مصر که بیشتر جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند، برخی عقاید مذهبی خود را در تضاد با عقاید مذهبی شیعیان می‌بینند.

مشهورترین تماس شیعیان ساکن فلات ایران و بین‌النهرین با مسلمانان افریقا و مغرب عربی سفر سید جمال‌الدین اسدآبادی به مصر بوده است. یکی از مهم‌ترین سفرهای شیعیان، سفر آیت‌الله سید جعفر آل کاشف الغطا به همراه گروهی از علمای شیعه عراق و با دعوت رسمی روحانیون الازهر در سال ۱۹۶۵ برای شرکت در دومین کنفرانس مجمع پژوهش‌های اسلامی در قاهره بود. همچنین سید عبدالحسین شرف‌الدین لبنانی تأثیرگذارترین مسافر شیعی قرن بیستم به شمال افریقا بود. نواب صفوی نیز در دهه ۱۳۵۰ به مصر رفت و با استقبال گرم اخوان المسلمین رو به رو شد. امام موسی صدر آخرین سفر معروف شیعی به مصر را انجام داد. ^۱ در حال حاضر، آیت‌الله محمد علی تسخیری، دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به منظور همگرایی و وحدت شیعه و سنی فعالیت می‌کند و در این راستا به افریقا سفرهایی انجام داده‌اند. همچنین چند تن از شیوخ الازهر و اندیشمندان مصری از جمله شیخ الفهام، شیخ الشرباصی و احمد امین، سفرهای زیادی به نجف و قم انجام داده‌اند. محمد حسنین هیکل، نویسنده سیاسی، نیز در ۱۹۵۱ به ایران سفر و با آیت‌الله کاشانی

۱. سیده مطهره حسینی، «شیعیان مصر؛ گذشته و حال، جستارهای سیاسی معاصر»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ش ۲، ص ۴۵-۲۳.



پس از پیروزی انقلاب اسلامی تبلیغات ضد شیعی در میان گروه‌های اسلامی و مردم مصر گسترش یافت. اندکی بعد حتی فعالیت جمعیت تقریب مذاهب متوقف شد و سازمان‌های شیعی منحل شدند. عناصر اسلامی و برخی نویسندگان و استادان دانشگاه به اتهام تشکیل سازمان‌های جهادی با پشتیبانی مالی ایران دستگیر شدند. شیعیان در دوران مبارک با محدودیت‌های امنیتی شدید رو به رو بودند و اغلب به عنوان عوامل ایران در براندازی حکومت مصر متهم و زندانی می‌شدند.

دیدار کرد. او پس از انقلاب نیز به ایران آمد و با امام خمینی (ره) دیدار کرد و کتاب *مدافع آیت‌الله* را نوشت. در سال ۱۳۴۲ و پس از قیام ۱۵ خرداد و بازداشت امام خمینی (ره)، شیخ محمود شلتوت، رئیس دانشگاه الازهر، در اعلامیه‌ای در سال ۱۳۴۲ از تمام مسلمانان خواست از علمای مجاهد ایران که به جرم دفاع از حق زندانی شده‌اند، پشتیبانی کنند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی تبلیغات ضد شیعی در میان گروه‌های اسلامی و مردم مصر گسترش یافت. اندکی بعد حتی فعالیت جمعیت تقریب مذاهب متوقف

شد و سازمان‌های شیعی منحل شدند. عناصر اسلامی و برخی نویسندگان و استادان دانشگاه به اتهام تشکیل سازمان‌های جهادی با پشتیبانی مالی ایران دستگیر شدند. شیعیان در دوران مبارک با محدودیت‌های امنیتی شدید رو به رو بودند و اغلب به عنوان عوامل ایران در براندازی حکومت مصر متهم و زندانی می‌شدند. همچنین تأثیر گذاری انقلاب اسلامی ایران بر جامعه مصر سبب شد بسیاری از مصری‌ها به تشیع روی آوردند. با پایان جنگ ایران و عراق و آغاز دهه ۱۹۹۰ فشار بر شیعیان کاهش یافت، اما سرکوب‌ها و دستگیری‌ها همچنان ادامه داشت. در زمان حسنی مبارک رابطه حکومت مصر با شیعیان از رابطه آنها با ایران تأثیر مثبت و منفی می‌پذیرد. افزایش تنش در روابط دو کشور موجب فشار بر شیعیان و کاهش تنش نیز به کاهش محدودیت‌های آنها منتهی می‌شد. در مورد وضعیت اقتصادی شیعیان مصر باید گفت هر چند آمار دقیقی در مورد شرایط اقتصادی شیعیان مصر وجود ندارد، اما بیشتر شیعیان مصر به دلیل محدودیت در فعالیت‌های اقتصادی جزء طبقه فقیر و متوسط جامعه به شمار می‌روند و شمار چشمگیری از آنها بیکار هستند.

در فضای سیاسی و اجتماعی پس از سرنگونی حسنی مبارک، پویایی شیعیان برای حضور در عرصه سیاسی و اجتماعی دوچندان شده است. رهبران شیعه مصر بر این باورند که بعد از انقلاب ۲۰۱۱ مصر همچنان شرایط پرفشار علیه شیعیان مصر ادامه

دارد. مشکلات شیعه تنها منحصر به مسائل امنیتی و حکومتی نیست، بلکه تبلیغات شدیدی علیه شیعیان کشور صورت می‌گیرد. در آغازین روزهای منتهی به انقلاب و پس از آن شیعیان با فضای بازتر برای بیان دغدغه‌ها و آرمان‌های خود رو به رو شدند. هم‌زمان با ظهور اسلام‌گرایان تندروی سنی در صحنه سیاسی، شیعیان مصر نیز تمایل خود را برای مشارکت در امور سیاسی و انتخاباتی و نیز تشکیل حزب اعلام کردند که با مخالفت سلفی‌ها رو به رو شد. پس از انتخاب محمد مرسی به عنوان رئیس‌جمهور مصر، شیعیان مصر خواستار شناسایی رسمی توسط دولت، دریافت مجوز ساخت حسینیه‌ها و سهم ثابتی از کرسی‌های پارلمان ملی شدند. در دوران پس از مبارک، نیروهای امنیتی مصر همچنان به مقابله و مهار کنش‌های سیاسی و مذهبی شیعیان می‌پردازند.

جایگاه سیاسی و اجتماعی شیعیان مصر

آمار رسمی دولتی یا منابع مستقل در مورد شمار شیعیان در دست نیست. در گزارش سال ۲۰۰۶ وزارت خارجه آمریکا آمده، شیعیان کمتر از یک درصد از کل جمعیت مصر را که بالغ بر ۷۴ میلیون نفر است تشکیل می‌دهند و محمد الدربینی، از رهبران برجسته شیعه در مصر و رئیس مجلس اعلی‌اهل‌البیت تعداد شیعیان مصر را یک و نیم میلیون نفر می‌داند.^۱ بیشتر شیعیان در جنوب مصر^۲ زندگی می‌کنند. بسیاری از شیعیان در محله‌های طنطا و منصوره، واقع در دلتا یعنی بخش شمالی پایتخت زندگی می‌کنند و روزهای جمعه برای برپایی نماز در مسجد حضرت زینب (س) در وسط قاهره گرد هم می‌آیند. در برخی از شهرهای مصر اقلیت‌های بزرگی از شیعیان زندگی می‌کنند که اسنا، ارفو، ارمنت و فقط (جنوب) از آن جمله‌اند. در اسوان^۳ بیشتر مردم شیعه هستند. در جنوب مصر در منطقه سعید، به ویژه استان‌های قنا و اسوان، گروهی از منسوبان به حضرت امام جعفر صادق (ع) به نام جعفره زندگی می‌کنند. آنها اندیشه‌هایی نزدیک به شیعه و با اهل سنت هم‌زیستی برادرانه دارند. شمار جعفره در مصر به دو میلیون نفر می‌رسد.^۴ خاندان‌های شیعی مصری که اصالت ایرانی و عربی دارند، پیوسته در تقیه

۱. «شیعیان مصر و سعودی»، ترجمه: فرزانه آجرلو، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، ۸ مهر ۱۳۷۸.

<http://www.historylib.com/site/SViewDocument.aspx?DocID=1018&RT=List>.

۲. در جنوب مصر، ده‌ها بارگاه به چشم می‌خورد، به طوری که کمتر روستایی در این ناحیه می‌توان یافت که ضریح صوفی یا فقیه یا به تعبیر عامه، ولی در آن دیده نشود.

۳. در اسوان ده‌ها بارگاه وجود دارد که درگذشتگان آن به خاندان پیامبر منسوب هستند و پرچم‌های سرخ و سبز بر فرازشان افراشته که از جمله آنها می‌توان به رأس‌الحسین اشاره کرد.

۴. سید مطهره حسینی، همان، ص ۴۵-۲۳.





به سر می‌برند و بسیاری از آنها از تشیع چیزی جز نام ندارند. همچنین سال‌های اخیر تعدادی از مصری‌ها شیعه شده‌اند که اصطلاحاً به آنها متشیع گفته می‌شود.

شاید برجسته‌ترین طیف‌های شیعیان، امامیه اشراف یا طالبین از فرزندان علی بن ابی‌طالب (ع) باشند که پیش از ظهور فاطمیان در مصر حضور داشتند. به طوری که یکی از شهرهای جنوبی مصر، الاشراف نام دارد که تابع استان قناست. اشراف امروز در سراسر مصر پراکنده‌اند و رویکرد صوفیانه دارند و سلسله مراتب دینی رهبری، به ویژه نقیبان و داعیان، هنوز هم در میان آنها بنا بر رسوم و شرایط ویژه‌ای برگزیده می‌شوند. اشراف در اصل شیعیان اهل بیت (ع) بودند که به مصر کوچیدند، ولی بعدها بر اثر فشارهای سیاسی و اجتماعی در جامعه هضم شدند و تنها شمار اندکی از آنان هنوز به باورهای شیعی پایبند هستند.^۱ رهبران جنبش صوفیه در مصر نیز به علت علاقه خود به خاندان رسول الله (ص) همواره برپادارنده آیین‌های شیعی و حافظ حریم اهل بیت (ع) بوده‌اند. اشراف و بیشتر صوفیان رویکردی غیرسیاسی دارند، اما هنگامی که سلسله‌ها و طریقت‌های صوفی در زمینه‌های سیاسی فعال می‌شوند، در بیشتر مواقع ماجرا به شورش فراگیر می‌انجامد. اکثریت قریب به اتفاق صوفیان در مصر با اهل بیت (ع)، مأنوس هستند و در حلقه‌های ذکر خود از ادعیه ایشان استفاده می‌کنند.

در مصر اندیشه‌های تندرو در میان مردم جایگاهی ندارد. این نکته درست است که برخی از رهبران القاعده مصری بوده‌اند، اما همه آنها به خارج از مصر رفته و در آنجا فعالیت کرده‌اند. مصری‌ها همواره در بحث‌های مذهبی خود را «سنی المذهب و شیعی الهوا» معرفی می‌کنند. به علت این روحیه تسامح و تساهل مردم مصر است که به همت فردی مانند شیخ محمد تقی قمی «دارالتقریب مذاهب الاسلامیه» با همکاری علمای گرانقدر مصر نظیر شیخ شلتوت در این کشور پا گرفت.^۲ شیخ شلتوت به طوری رسمی جواز پیروی از مذهب شیعه را صادر کرد^۳ و به همت دارالتقریب کتب بسیاری از مراجع شیعی در این کشور چاپ و منتشر شد. البته پیش از آن نیز مصری‌ها با توجه به همان ویژگی روحی، آثار فراوان دیگری را منتشر کرده بودند که از جمله می‌توان به تصحیح نهج البلاغه توسط محمد عبده اشاره کرد. اساساً بسیاری از کتاب‌هایی که قبل از انقلاب

۱. سید مطهره حسینی، همان، ص ۴۵-۲۳.

۲. حجت‌الله جودکی، همان.

۳. وی در یکی از فتواهای خود نوشته همانا مذهب جعفری، معروف به مذهب شیعه دوازده امامی، مذهبی است که تعبد (اعتقاد و پیروی) به آن، مانند سایر مذاهب، شرعاً جایز است. بنابراین، بر مسلمانان سزاوار است که به این مطلب آگاه شوند، و از تعصب بی‌جا به مذاهب خاص پرهیز کنند.



شیخ شلتوت به طوری رسمی جواز پیروی از مذهب شیعه را صادر کرد و به همت دارالتقریب، کتب بسیاری از مراجع شیعی در این کشور چاپ و منتشر شد. البته پیش از آن نیز مصری‌ها با توجه به همان ویژگی روحی، آثار فراوان دیگری را منتشر کرده بودند که از جمله می‌توان به *تصحیح نهج البلاغه* توسط محمد عبده اشاره کرد

اسلامی در ایران، در حوزه اندیشه اسلامی ترجمه و چاپ می‌شدند، توسط مصری‌ها نوشته شده بود و خوانندگان احساس نمی‌کردند که نویسنده کتاب سنی مذهب است.

در مصر برخی از افراد به خاندان پیامبر، فرزندان حضرت امام حسن (ع) و حضرت امام حسین (ع) منتسب هستند و «الساده الاشراف» نامیده می‌شوند و به گفته درینی تعداد آنها حدود شش میلیون نفر است. چهار میلیون نفر از آنها در منطقه الصعيد ساکنند و بیشتر آنها اهل سنت

هستند و برخلاف آنچه بعضی می‌پندارند شیعه نیستند.^۱ شیعیان مصر دارای مذهب جعفری (اثنی عشری) هستند و از ناحیه بالاترین مرجع دینی در مصر یعنی الازهر به این نام شناخته شده‌اند. رئیس الازهر، علامه محمود شلتوت در سال ۱۹۵۹ فتوایی مبنی جواز تشرف به مذهب جعفری همانند دیگر مذاهب اهل سنت صادر کرد. رئیس فعلی دکتر محمد سید طنطاوی نیز بر استمرار عمل به این فتوا تأکید می‌کند. با وجود این، مذهب جعفری به رسمیت شناخته نشده است، زیرا برای به رسمیت شناخته شدن یک تشکل دینی، باید درخواست به اداره امور دینی وزارت کشور ارائه شود که حدود فعالیت‌های این تشکل را تعیین کند تا خطری از ناحیه این تشکل «تمامیت ملی» و «امنیت اجتماعی» را تهدید نکند. در زمان حسنی مبارک طبق قانون شماره ۱۵ سال ۱۹۲۷، حکم رسمی تشکل جدید توسط رئیس جمهور صادر می‌شد. اوایل ۲۰۰۴ برخی از رهبران شیعه از جمله دکتر احمد راسم نفیس درخواستی مبنی بر به رسمیت شناختن شیعه به عنوان مذهب دینی رسمی، طبق قانون، به وزیر کشور ارائه کردند، اما پاسخی به این درخواست داده نشد.^۲

شیعیان مصر علاوه بر محرومیت از مرجعیت دینی، از داشتن مسجد ویژه مذهب خود نیز بی‌بهره هستند. حکومت بر تنها مسجدشان مسجد آل بیت دست نهاد و در سال ۱۹۷۹ آن را جزو مساجد اهل سنت خواند. با وجود اینکه طبق گزارش وزارت امور خارجه آمریکا، حدود ۷۴۵۰۰ مرکز (که ساختمان آنها مستقل و متعلق به مسجد

۱. حجت‌الله جودکی، همان.

۲. «شیعیان مصر و سعودی»، همان.



پس از انقلاب اسلامی ایران و تأثیرگذاری آن بر جامعه مصر، بسیاری از مصری‌ها به تشیع روی آوردند و در سال ۱۹۸۶ اولین انتشارات شیعی در مصر با عنوان «دارالبدایه» تأسیس شد، اما نیروهای حکومتی دو سال بعد آن را تعطیل کردند

است) و ۱۸ هزار مسجد که همگی مساجد اهل سنت می‌باشند، در مصر وجود دارد. در مصر اماکن و زیارتگاه‌های اهل بیت از جمله رأس الحسین وجود دارد که حکومت مسئولیت اداره و نظارت بر آنها را دارد، این زیارتگاه‌ها اگرچه در نظر شیعیان مقدسند، اما مورد زیارت عموم مردم مصر قرار می‌گیرند.^۱ پس از انقلاب اسلامی ایران و تأثیرگذاری آن بر جامعه مصر، بسیاری از مصری‌ها به تشیع روی آوردند

و در سال ۱۹۸۶ اولین انتشارات شیعی در مصر با عنوان «دارالبدایه» تأسیس شد، اما نیروهای حکومتی دو سال بعد آن را تعطیل کردند. در واقع، برخی از رهبران سنی مصر نگاهی تردیدآمیز به شیعه دارند. به طوری که دکتر محمد سلیم عوا، دبیر کل اتحادیه جهانی علما مسلمین، در نشست با دبیر روزنامه‌نگاران در قاهره، در ۶ سپتامبر ۲۰۰۶، بعضی شیعیان را متهم کرد که دعوت به تشیع را وسیله‌ای، برای رهبری و جلب منافع مادی خود قرار داده‌اند. شیعیان از سال ۱۹۹۸ مورد فشار امنیتی قرار گرفته و بارها به حقوقشان تعدی شده است. به عنوان نمونه، دستگاه‌های امنیتی در دسامبر ۲۰۰۶ تعدادی از شیعیان را پس از یورش به منازلشان در شهر غارب در ساحل دریای سرخ و در جنوب شرقی کشور بازداشت کردند و مدتی بعد آزاد شدند.^۲

حضور اجتماعی شیعیان در دوره معاصر مصر که به سال‌های ۱۹۳۵-۱۹۴۰ برمی‌گردد، حول محور تقریب شکل گرفته است. گروه «التقریب» مجموعه‌ای از علما سنی و شیعی است که مسلمانان را به تقریب بین مذاهب فرا می‌خوانند. از علمای اهل سنت طرفداران تقریب می‌توان شیخ محمود شلتوت و شیخ احمد شرباصی را نام برد و از علمای شیعه می‌توان از شیخ محمد تقی قمی (ایرانی)، شیخ محمد جواد مغنیه (لبنانی) و شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء (عراقی) یاد کرد. با وجود نگاه تقریبی بین شیعیان و عمده مردم مصر، تبعیض علیه شیعیان و تبلیغات سنگین برای تخریب چهره آنها و مبارزه با گسترش شیعه در مصر همچنان ادامه دارد. بازداشت، تعقیب، زندان، عدم رسیدگی به شکایات شیعیان در دادگاه و عملی نشدن حکم محاکم قضایی که به نفع آنان صادر می‌شود، از جمله این فشارهاست. بازداشت شیعیان در مصر رواج

1. <http://www.historylib.com/site/SViewDocument.aspx?DocID=1018&RT=List>

2. Ibid



بسیاری دارد. حسنی مبارک در سال ۲۰۰۹، شیخ حسن شحاته، پدر روحانی شیعیان مصر و سی شیعۀ دیگر را به بهانه دریافت بودجه از خارج کشور، توهین به ادیان و ایجاد یک سازمان شیعی بازداشت کرد. بسیاری از هنرمندان، فرهیختگان و اساتید شیعه مصر از ترس مسائل امنیتی، تقیه کرده و اعتقاد خود را فاش نمی‌کنند. سید طاهر هاشمی، یکی از رهبران شیعه مصر می‌گوید: «شیعه در زمان حکومت طاغوتی حسنی مبارک آواره، تحت تعقیب و پیگرد نیروهای امنیتی بودند و به دلیل گفتن نام امام علی (ع) و امام حسین (ع) و داشتن انگشتر عقیق از طرف نیروهای امنیتی مورد آزار و اذیت فراوان قرار می‌گرفتند». یکی از برجسته‌ترین رهبران شیعی، دکتر «احمد راسم نفیس»، استاد دانشکده پزشکی در دانشگاه منصوره مصر، در سال‌های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۶ به اتهام تشکیل سازمانی شیعی و ارتباط با مقتدی صدر و طایفه زیدیه در یمن دستگیر و در می ۲۰۰۵ پس از گذراندن ۱۵ ماه بازداشت بدون اتهام و محاکمه آزاد شد.

سال ۲۰۰۴ محمود الدربینی که مجلس اعلای مصر را نیز پایه‌ریزی کرده بود، به طور رسمی از وزارت کشور اجازه خواست تا حزب «الغدیر» را تأسیس کند تا بتواند به عنوان نماینده شیعیان فعالیت سیاسی داشته باشد. الدربینی همچنین تأکید کرد، با تأسیس این حزب حتی قبطی‌ها نیز می‌توانند به عضویت آن درآیند و حزب الغدیر در صورت لزوم حاضر به همکاری و ائتلاف با دیگر احزاب مصری از جمله اخوان المسلمین نیز است. در این میان اخوان المسلمین نیز اعلام کرد، از تأسیس حزبی به نام شیعیان استقبال و از حضور احزاب شیعی در فعالیت‌های سیاسی حمایت می‌کند. اما دولت مصر با استناد به قانون منع تشکیل احزاب بر اساس اصول دینی، اجازه فعالیت به این حزب نداد و به این ترتیب تشکیل حزب الغدیر متوقف شد.^۱ پس از آن الدربینی تصمیم گرفت به همراه سایر رهبران جمعیت آل‌البتیت فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خود را توسط این جمعیت و مجلس اعلای مصر انجام دهد. پس از افزایش فعالیت‌های سیاسی جمعیت آل‌البتیت و ائتلاف آن با جمعیت اخوان المسلمین، دولت مصر نسبت به فعالیت‌های این جمعیت احساس خطر کرد. از این رو، سال ۲۰۰۴ الدربینی را دستگیر کرد و به زندان انداخت. الدربینی در زندان شکنجه شد تا اعتراف کند با ایران و سایر گروه‌های سیاسی شیعه خارج از مصر رابطه داشته و حتی متهم به براندازی و تلاش برای سرنگونی دولت مبارک

۱. «بررسی وضعیت حقوق بشر شیعیان مصر»، پایگاه اطلاع‌رسانی جبهه جهانی مستضعفین، ۲۸ اسفند ۱۳۹۱.
<http://www.mwfpres.com/vbccaep82bq4.la2.html>



از دیگر موانع فعالیت شیعیان مصر، قانون اساسی این کشور است که در مورد شیعیان یا سکوت اختیار کرده است و یا به آنان اجازه فعالیت نمی‌دهد. ماده ۲۱۹ پیش نویس قانون اساسی مصر می‌گوید «شواهد کلی اصول شریعت اسلامی، قواعد اصولی و فقهی آن و همچنین منابع معتبر آن، شامل مذاهب اهل تسنن و جماعت است»

شد.^۱ الدرینی سال ۲۰۰۵ پس از ۱۴ ماه حبس آزاد می‌شود. به علاوه، حسنی مبارک تلاش کرد، دشمنی با شیعیان را در میان مردم مصر تشدید کند و از روش‌های مختلف تبلیغی برای این امر بهره‌برداری می‌کرد.

در حال حاضر، رهبران شیعه مصر بر این باورند که بعد از انقلاب ۲۰۱۱ مصر همچنان این شرایط پرفشار علیه شیعیان مصر ادامه دارد. مشکلات شیعه تنها منحصر به مسائل امنیتی و حکومتی نیست، بلکه تبلیغات شدیدی علیه شیعیان از

طریق کتاب، مقاله و شبکه‌های اینترنتی در این کشور صورت می‌گیرد. در حال حاضر، ناشران بسیاری در مصر علیه شیعه اقدام به انتشار کتاب می‌کنند. شبکه‌ها و جریان‌های ضدشیعی بی‌هیچ مانع و مخالفتی به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهند. به عنوان نمونه، سال ۲۰۱۰ چاپخانه مکتبه مدبولی، به دلیل چاپ کتاب‌های یکی از زعمای شیعه مصر به نام «احمد راسم» مورد حمله قرار گرفت. دبیر کل مجلس اعلیٰ آل البیت می‌گوید: «متأسفانه دستگاهی در مصر وجود دارد که وظیفه‌اش سرکوب شیعیان است. هدف این دستگاه گرسنه نگه داشتن شیعیان و پایمال کردن حقوق آنان است. این دستگاه از سوی تکفیری‌ها و گروه‌های سلفی پشتیبانی می‌شود. وظیفه آنان حمله به شیعیان و زیر فشار قرار دادن همه پیروان اهل بیت (ع) است».^۲ هر چند در حال حاضر کانال‌های شیعی متعددی مانند الانوار، فدک، اهل البیت و ... به زبان عربی فعالیت می‌کنند، اما هیچ یک از این کانال‌ها مصری نیستند.

از دیگر موانع فعالیت شیعیان مصر، قانون اساسی این کشور است که در مورد شیعیان یا سکوت اختیار کرده است و یا به آنان اجازه فعالیت نمی‌دهد. ماده ۲۱۹ پیش نویس قانون اساسی مصر می‌گوید: «شواهد کلی اصول شریعت اسلامی، قواعد اصولی و فقهی

۱. الدرینی دوران زندان خود را در کتابی با نام «پایتخت جهنم» به طور کامل تشریح می‌کند. وی در آن کتاب می‌گوید: «آن قدر در این زندان مرا به شکل‌های گوناگون شکنجه کردند که هیچ لقبی بهتر از پایتخت جهنم نمی‌توانم به آن بدهم. از طرفی چون من در زندانی در قاهره به سر می‌بردم، به کار بردن این عبارت چندان هم بی‌ارتباط نیست... آنها مرا شکنجه می‌کردند تا دوستان و هم‌کیشان خود در جمعیت را لو بدهم. آنها اصرار داشتند من به جاسوسی برای ایران و دریافت پول از این کشور اعتراف کنم و بگویم من برای منافع ایران فعالیت می‌کردم. در حالی که برای من تنها کمک به شیعیان مصر مهم است.»

۲. «بررسی وضعیت حقوق بشر شیعیان در مصر»، همان.



آن و همچنین منابع معتبر آن، شامل مذاهب اهل تسنن و جماعت است.^۱ مرکز حقوق بشر فاطمیه مصر طی پژوهشی اعلام کرده است: هشتاد درصد جوانان شیعه مصر بیکار هستند.^۱ هر چند اطلاعات آماری دقیقی از شرایط اقتصادی شیعیان مصر وجود ندارد اما اکثر شیعیان مصر جزء طبقه فقیر و متوسط جامعه هستند. حکومت به شیعیان اجازه فعالیت اقتصادی با نام شیعه نمی‌دهد. به عنوان امکان ایجاد صندوق‌های قرض الحسنه و مؤسسات خیریه شیعی در مصر وجود ندارد. سخن گفتن از حقوق شیعه در رسانه‌ها و از سوی سازمان‌ها در مصر ممنوع است. بعد از انقلاب ۲۵ ژانویه مصر، شیعه جعفری خواستار تشکیل حزب رسمی، ساخت حسینیه، داشتن کرسی در مجلس و احترام به حقوق شیعیان شد، اما تاکنون حرکت خاصی برای برآورده شدن این نیازها صورت نگرفته و حتی موج تبلیغی علیه شیعه در حال گسترش است. شیعیان مصر به منظور مبارزه با این جریان‌ها و تبعیض‌ها اقدام به تشکیل برخی انجمن‌ها و مؤسسات کرده‌اند.

سازمان‌های شیعی در کشور مصر

دارالبدایه: سال ۱۹۸۶ به عنوان نخستین مؤسسه چاپ و پخش شیعی مصر به همت صالح الوردانی و با یاری اعراب و مصری‌های شیعه تأسیس شد. چاپ شماری از کتاب‌های اندیشمندان شیعه برای عرضه در نمایشگاه بین‌المللی قاهره از فعالیت‌های مهم این سازمان بود. دارالبدایه با مخالفت تندروهای اهل سنت رو به رو شد که نتیجه آن حمله به آن و چاپ و پخش اعلامیه‌هایی علیه این سازمان از سوی سعودی‌ها و سلفی‌های مصر و مأموران امنیتی بود. رئیس دارالبدایه و اعضای آن بازداشت شدند. در نهایت، سال ۱۹۸۸ این مؤسسه تعطیل شد. صالح الوردانی پس از چندین سال توقف فعالیت‌های مجمع اهل‌البیت رسماً درخواست فعالیت مجمع را مطرح و اتهام وابستگی شیعیان مصر به کشوری خارجی به ویژه ایران را رد کرد. پس از آن مؤسسه دارالهدف به جای دارالبدایه و با همان کادر، اهداف و چاپخانه تشکیل شد.

مجمع تقریب مذاهب اسلامی: شیخ محمد شلتوت و آیت‌الله بروجردی در اقدامی مشترک، مجمع تقریب مذاهب اسلامی را تشکیل دادند. از سال ۱۹۴۶ دعوت جمعیت تقریب در مصر آغاز شد. شیخ حسن البنا، بنیان‌گذار و رهبر اخوان المسلمین، نیز آن را تأیید و اخوان المسلمین با این جمعیت همکاری می‌کرد. علامه محمد تقی قمی برای دعوت به سوی همبستگی و برادری به مصر برای دیدار با محمد مصطفی مراغی،

۱. «بررسی وضعیت حقوق بشر شیعیان در مصر»، همان.



که آن زمان رئیس الازهر بود، رفت و در نخستین دیدار دریافت که شیخ مراغی با اندیشه وحدت و همبستگی موافق است. علامه سپس شیخ مصطفی عبدالرزاق و شیخ عبدالمجید سلیم را وارد تشکیلات دارالتقریب کرد و خود به صورت غیررسمی در کنار و همراه دعوت وحدت قرار گرفت. عبدالمجید سلیم از طلایه‌داران تقریب بود و در این راه بسیار کوشید و شاگرد بزرگ او، شیخ محمود شلتوت، نیز خدمات بسیار به تقریب مذاهب اسلامی کرد. شیخ «محمود شلتوت» مفتی و رئیس سابق دانشگاه الازهر مصر در فتوای خود احترام به شیعیان و مذهب تشیع را واجب دانسته بود. سلیم با سید شرف الدین روابط نزدیکی داشت و با آیت‌الله بروجرودی مکاتبه می‌کرد و به این ترتیب میان علمای شیعی و سنی رابطه برقرار شد. حسن البنا و آیت‌الله کاشانی به منظور نزدیکی جماعت‌های مسلمانان، در حج دهه ۱۹۷۰ با یکدیگر دیدار کردند. عبدالحلیم محمود، شیخ الازهر، نیز شیعیان را از هر دسته‌ای که بودند، برادر دینی می‌نامید. از علمای سنی طرفدار تقریب می‌توان به شیخ احمد شرباصی و از علمای شیعه می‌توان به شیخ محمد تقی قمی (ایرانی)، شیخ محمد جواد مغنیه (لبنانی) و شیخ محمد حسین آل کاشف القطاء (عراقی) اشاره کرد.

در دهه ۱۹۸۰ هم زمان با درگرفتن جنگ‌هایی در سرزمین‌های اسلامی و گسترش واپس‌گرایی وهاب‌ها، تشکیک در باورهای شیخ قمی در مجله *الاعتصام* مصر طرح شد. با چاپ و پخش نامه محمدحسنین مخلوف، مفتی پیشین و وزیر اوقاف وقت مصر، در این مجله که به شیخ شعراوی پیشنهاد می‌کرد از جمعیت تقریب بیرون آید، این مبارزه پررنگ‌تر شد. پیروزی انقلاب اسلامی و توقیف مجله *رساله الاسلام* که از سوی جمعیت تقریب منتشر می‌شد، به توقف کامل فعالیت‌های جمعیت تقریب انجامید پس از انقلاب اسلامی، علمای الازهر نیز از تشیع احساس نگرانی و تهدید کردند. الازهر هر سال کتاب‌های شیعی را در نمایشگاه کتاب قاهره جمع‌آوری می‌کند و بسیاری از کتاب‌های شیعه را در فهرست سیاه قرار داده است.

جمعیت آل‌البیت: در سال ۱۹۷۳ سید طالب الحسینی رفاعی از علمای عراق جمعیت «آل‌البیت» را تأسیس کرد که جبهه تشیع در مصر شمرده می‌شد. این جمعیت با آزادی نسبی فعالیت می‌کرد که دلیل آن روابط حسنه حکومت انور سادات و حکومت پهلوی بود. اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی فشار بیشتر شد و این مسجد نیز به تملک سنی‌ها درآمد. در واقع، این جمعیت به عنوان سخنگوی اصلی شیعیان مصر اعلام موجودیت کرد. در آغاز عنوان شیعه را آشکارا نداشت و اهداف آن کمک‌های اجتماعی و خدمات

فرهنگی، علمی و دینی بود. سیدطالب الرفاعی، از علمای عراق، در این جمعیت بسیار فعال و رئیس این تشکیلات بود. جمعیت آل البیت در ادامه فعالیت‌های تقریب عمل می‌کرد و مسلمانان سنی نیز در آن عضو بودند. چاپ و پخش برخی کتاب‌ها حساسیت‌های زیادی علیه این جمعیت برانگیخت. با پیروزی انقلاب اسلامی و احساس خطر شدید دولت مصر از شیعیان به یک باره دستور به توقف همه

با تعطیلی سفارت ایران در مصر و مواجه شدن شیعیان بحرینی، کویتی، عراقی و سایر شیعیان با اتهام تلاش برای تشکیل حزب‌الله فشارهای بیشتری علیه این جمعیت و شیعیان وارد شد. پس از آن، بسیاری از شیعیان مصری تلاش کردند هر گونه ارتباط با جمهوری اسلامی ایران را نفی کنند

فعالیت‌های جمعیت تقریب بین مذاهب و جمعیت آل البیت صادر شد. این دستور فشارهای امنیتی شدیدی بر شیعیان وارد آورد و پس از آن هیچ گروه اسلامی شیعه در مصر تشکیل نشد. با تعطیلی سفارت ایران در مصر و مواجه شدن شیعیان بحرینی، کویتی، عراقی و سایر شیعیان با اتهام تلاش برای تشکیل حزب‌الله فشارهای بیشتری علیه این جمعیت و شیعیان وارد شد. پس از آن، بسیاری از شیعیان مصری تلاش کردند هر گونه ارتباط با جمهوری اسلامی ایران را نفی کنند. با وجود اینکه این جمعیت در سال ۱۹۸۸ به حق قانونی مبنی بر استیفای حقتش برای ادامه فعالیت دست یافت، اما حکومت مصر تاکنون آن حکم را اجرا نکرده است.

شورای عالی پشتیبانی از اهل بیت (ع): از مؤسسه‌های شیعی مصر است که با دبیری محمد الدیرینی فعالیت‌های خود را آغاز کرده است.

جمعیت شیعه مصر: دکتر احمد راسم نفیس در رأس ۱۵ گروه شیعی در مصر در سال ۲۰۰۹ اقدام به تأسیس جمعیتی غیردولتی با نام «شیعه المصر» کرد. احمد راسم النفیس متفکر شیعه مصری و استاد دانشگاه، درباره تأسیس این جمعیت گفت: «این جمعیت جایگزین مرکز آل البیت و هیچ مرکز دیگر شیعی در مصر نخواهد شد و در چارچوب اهداف خویش در معرفی مذهب اهل بیت (ع) تلاش خواهد کرد». از دیگر اهداف این جمعیت، پشتیبانی حقوقی از شیعیان در مصر و کاستن از محدودیت‌ها و تبعیض علیه شیعیان در این کشور افریقایی عنوان شده است.

مرکز امام علی (ع): این مؤسسه در سال ۲۰۰۵ تأسیس شد. بعد از انتشار بیانیه و گزارش در مورد بازداشت‌شدگان شیعه و جمع‌آوری امضا برای آزادی آنها، تمام مدیران این مرکز از جمله «احمد سعد صبح» و «محمد الدیرینی» در سال ۲۰۰۷ بازداشت و



مرکز تعطیل شد. در سال ۲۰۰۸ تلاش شد این مرکز با نام سازمان حقوق بشر امام علی (ع) آغاز فعالیت کند. مؤسسه «جمعیت شیعی» مصر، در بدو شکل‌گیری به گفته سیدمفتاح، وکیل این مؤسسه به دلایل امنیتی دچار مشکل شده و تشکیل آن به تعویق افتاده است.

انقلاب اسلامی ایران و شیعیان مصر

دکترین ایدئولوژیک اخوان المسلمین پان‌اسلامیسم و مبتنی بر کاهش اختلاف‌های شیعه و سنی است. با وجود این، اشتیاق اولیه اخوان المسلمین به انقلاب اسلامی ایران خیلی زود متحول شد و بسیاری از مقامات و اعضای این جنبش، انقلاب اسلامی ایران را ملی‌گرایی فارسی و انقلابی کاملاً شیعی تعبیر کردند. این تفسیر و برداشت از انقلاب اسلامی ایران به‌ویژه پس از تأثیرپذیری کشورهای عربی خلیج فارس از سیاست صدور انقلاب و نیز پس از اتحاد ایران با سوریه که آشکارا با شاخه سوری اخوان المسلمین درگیر بود، گسترش یافت. در جنگ ایران و عراق، اخوان المسلمین در ابتدا به دلیل جنگ عراق علیه ایران منتقد صدام بود، اما پس از مدتی با این ادعا که ایران خواهان اشغال عراق است، به حمایت خود از ایران پایان داد. روابط اخوان المسلمین و ایران پس از جنگ دوم خلیج فارس نیز به دلیل عدم کمک ایران به عراق در برابر غرب و حمایت از خیزش شیعیان علیه صدام به سردی گرایید.^۱ اخوان المسلمین اولین گروهی بود که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، آن را تأیید و از پناه دادن شاه توسط رژیم مصر انتقاد کرد. این جماعت در سال ۵۷ اعلامیه‌ای منتشر کرد و انقلاب اسلامی ایران را الگویی برای مبارزات اسلامی خود علیه دولت وابسته و ضداسلامی مصر دانست و از تمام مسلمانان جهان نیز خواست از مسلمانان ایران سرمشق بگیرند. اخوان نخستین گروهی بود که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برای عرض تبریک به ایران آمده و خدمت امام خمینی رسیدند. اخوان المسلمین بعد از پیروزی انقلاب کتابی تحت عنوان «*خمینی‌آلترناتیو/اسلامی*» منتشر کرد که در آن آمده است: «انقلاب امام خمینی، انقلاب یک فرقه اسلامی علیه فرقه‌ای دیگر نیست، بلکه مرکز ثقل ارزش‌ها و اعتقادات مشترک است که همه مسلمانان را به وحدت می‌خواند، همان چیزی که انقلاب ایران برای آن به وقوع پیوست.»

1. Israel Elad Altman, "The Brotherhood and the Shiite Question," Hudson Institute, (<http://www.currenttrends.org>), vol.9, November 19, 2009.

اخوان نخستین گروهی بود که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برای عرض تبریک به ایران آمده و خدمت امام خمینی رسیدند. اخوان المسلمین بعد از پیروزی انقلاب کتابی تحت عنوان «خمینی آلترناتیو اسلامی» منتشر کرد که در آن آمده است: «انقلاب امام خمینی، انقلاب یک فرقه اسلامی علیه فرقه‌ای دیگر نیست، بلکه مرکز ثقل ارزش‌ها و اعتقادات مشترکی است که همه مسلمانان را به وحدت می‌خواند، همان چیزی که انقلاب ایران برای آن به وقوع پیوست»

برخی دلیل تغییر رفتار اخوان طی جنگ ایران و عراق را عدم استقبال ایران از پیشنهاد آنها برای میانجی‌گری در مسئله گروگان‌های امریکایی و طولانی شدن جنگ تحمیلی و فشار کشورهای عرب منطقه بر آنها می‌دانند. همچنین در همین دوران برخی اعضای اخوان ایران را متهم کردند که در صدد سلطه بر کل جهان اسلام است و لذا دست به تبلیغات و انتشار کتاب علیه ایران زدند.^۱ به ویژه پس از قدرت‌یابی شیعیان در عراق پس از سرنگونی صدام و افزایش

قدرت ایران در پی انقلاب‌های عربی، مسئله شیعه به موضوعی بسیار مناقشه‌برانگیز درون اخوان المسلمین تبدیل شده است. این مسئله به ویژه با آغاز بحران سوریه تشدید شده است. نکته مهم اینکه بخش مهمی از مخالفان دولت سوریه را طرفداران شاخه سوری اخوان المسلمین تشکیل می‌دهند. اخوان المسلمین در مواجهه با شیعیان در یک تنگنای هویتی قرار دارد. از یک سو، هویت این جنبش پان‌اسلامیستی و متمایل به اتحاد با ایران برای پیشبرد دستور کار خود است و از سوی دیگر، هویتی کاملاً سنی و عربی دارد که درون فضاهای اجتماعی و سیاسی منحصر به فرد فعالیت می‌کند و مخالف قدرت‌یابی شیعیان است. به لحاظ تاریخی، اخوان المسلمین مصر اختلاف‌های سیاسی شیعه و سنی را کم‌اهمیت دانسته و بر پذیرش شیعیان به عنوان بخشی از اسلام تأکید کرده است. بنابراین، اخوان المسلمین به طور مؤثر در برابر اقدامات ضدشیعی، وهابیون و سلفی‌ها نقش متوازن‌کننده ایفا می‌کند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اخوان المسلمین و جریان‌ها حاکم بر مصر یعنی ناصر یسم، سوسیالیسم و ناسیونالیسم عربی با جنبش اسلامی ایران در تعامل بودند. در عین حال، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در میان گروه‌های اسلامی بیشتر دین‌داران مصر تبلیغات ضد تشیع گسترش یافت و ادعا می‌شد، شیعیان به

۱. یوسف قاضی زاده، «رابطه اخوان المسلمین با انقلاب اسلامی»، مؤسسه تبیان، ۲۰ بهمن ۱۳۸۹.

<http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=155245>.



از زمان آغاز انقلاب مصر در ژانویه ۲۰۱۱، شرایط سیاسی و اجتماعی مصر برای اقلیت شیعه در نوسان بوده است. در آغازین روزهای منتهی به انقلاب و پس از آن شیعیان با فضای بازتر برای بیان دغدغه‌ها و آرمان‌های خود رو به رو شدند. به طوری که در میدان التحریر شعارها و پرچم‌های آنها مضمون‌هایی مربوط به قیام عاشورا داشتند

سلف احترام نمی‌گذارند و الگو بودن گذشتگان را نمی‌پذیرند. این رویارویی حتی موجب شد از مطالعه بسیاری از کتب گذشتگان به این اتهام که آنها شیعه یا منسوب به تشیع‌اند، خودداری شود. اندکی بعد حتی فعالیت جمعیت تقریب مذاهب متوقف شد و سازمان‌های شیعی منحل شدند. عناصر اسلامی و برخی نویسندگان و استادان دانشگاه به اتهام تشکیل مجموعه‌ای جهادی با پشتیبانی مالی ایران دستگیر شدند. سازمان شیعیان خمینی که از سوی شیعیان

مصر و اعراب بحرینی، کویتی و عراقی مقیم آن کشور تشکیل شده بود، در سال ۱۹۸۸ متهم به ارتباط با حزب الله و منحل شد. با انحلال این سازمان دستگاه‌های اطلاعاتی کشورهای عرب در پی آن برآمدند تا از امکان نفوذ عناصر سازمان در کشورهای خود آگاهی یابند. مصر که در این مقطع در پی بهبود روابط خود با رژیم صهیونیستی در میان کشورهای اسلامی و عربی در انزوا قرار داشت، با بزرگ جلوه دادن خطر انقلاب اسلامی ایران برای کشورهای منطقه، کوشید ائتلافی با این کشورها علیه ایران ایجاد کند. با پایان جنگ ایران و عراق و آغاز دهه ۱۹۹۰ فشار بر شیعیان کاهش یافت، اما این به معنای آزادی عمل شیعیان نبود. برای نمونه، می‌توان به ادعای مصر مبنی بر کشف سازمان سری شیعیان در سال ۱۹۹۶ اشاره کرد. رابطه حکومت مصر با شیعیان از رابطه‌شان با ایران تأثیر مثبت و منفی می‌پذیرد زمانی که رابطه بین دو کشور دچار تشنج گردید شیعیان تحت فشار قرار گرفتند و هنگامی که گشایشی در روابط دو کشور حاصل شد محدودیت‌های آنها نیز کاهش یافت.^۱ به‌ویژه اینکه روابط دیپلماسی کامل بین تهران و قاهره دیگر بازگشتی نداشت. برجسته‌ترین شخصیت‌های شیعی دکتر احمد راسم نفیس، استاد دانشکده پزشکی در دانشگاه منصوره مصر در سال‌های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۶ به اتهام تشکیل سازمانی شیعی و ارتباط با مقتدی صدر و طایفه زیدیه در یمن دستگیر و می ۲۰۰۵ پس از گذراندن ۱۵ ماه بازداشت بدون اتهام و محاکمه آزاد شد.^۲ فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی شیعی در مصر با یک تهدید جدی رو به رو است. به

۱. «شیعیان مصر و سعودی»، همان.

۲. همان.



طوری که پس از انقلاب اسلامی ایران، این شائبه در محافل اهل سنت به وجود آمده که فعالیت‌های شیعی برای تأمین منافع جمهوری اسلامی ایران انجام می‌شود. در رقابت‌های بین‌گروهی و بین‌فردی یا سازمانی در مصر تشیع یا دین به طور کلی ابزاری است برای متهم کردن رقیب برای نمونه، محمد الدربینی، رهبر شورای عالی پشتیبانی از اهل بیت (ع)، گاه رویکردهای متمایل به جمهوری اسلامی دارد و گاه دشمنانش به او اتهام پشتیبانی از منافع ایران در مصر را وارد می‌کنند. او با صالح الوردانی در ادعای رهبری شیعیان مصر و احتمالاً شمال شرقی افریقا رقابت می‌کند و هر دو آنها با رهبران صوفیان به عنوان جمعیت‌های همسوس با شیعیان بومی این کشور در تقابل قرار گرفته‌اند. همچنین وردانی که مدتی گرایش نیرومندی به همسویی با ایران داشت هم‌اکنون حتی مدعی است از جمهوری اسلامی ایران به عنوان رهبر شیعیان جهان نامید شده است.^۱ پیشینه سلفی برخی از نویسیان یا پیشینه تندروانه برخی از آنان، بستر فعالیت‌های تندروانه در قالب تشیع را فراهم می‌سازد و از این رو، نام تشیع در مصر و شمال افریقا ملازم با تندروی و فعالیت‌های در راستای منافع ملی سایر کشورها تصور می‌شود.^۲

وضعیت شیعیان در زمان حسنی مبارک

از زمان حمله امریکا و متحدانش به عراق در سال ۲۰۰۳، اختلاف مذهبی میان شیعه و سنی تشدید شده و برخی رژیم‌های عربی شیعیان را عامل بی‌ثباتی منطقه‌ای به منظور تأمین منافع ایران دانسته‌اند. حسنی مبارک نیز شیعیان خلیج فارس را بیش از وفاداری به کشورهای خود به ایران وفادار می‌دانست. عبدالله دوم شاه اردن نیز در مورد تشکیل هلال شیعی در سراسر منطقه هشدار داده بود. گزارشی نیز سال ۲۰۰۴ منتشر شد که مطابق آن نیروهای امنیتی مصر، سه مخالف شیعه را دستگیر کردند و آنها تنها پس از آنکه متعهد شدند به مذهب سنی گرویده‌اند، آزاد شدند. تقریباً در سه دهه حکومت مبارک بارها اتهام‌هایی به ایران مبنی بر توطئه برای بی‌ثباتی کشور مطرح شده بود. بسیاری از مسلمانان مصر با انقلاب اسلامی ایران همدلی می‌کردند و سرپیچی ایران از الگوی امریکا را مد نظر قرار می‌دادند. شیعیان در دوران مبارک، تحت شدیدترین محدودیت‌های امنیتی بودند و اغلب از سوی نیروهای امنیتی مصر به عنوان عوامل ایران در براندازی حکومت مصر متهم می‌شدند. سال ۲۰۰۹ موجی از دستگیری‌های رهبران

۱. «شیعیان مصر و سعودی»، همان.

۲. همان.



شیعه مطابق قوانین وضعیت اضطراری صورت گرفت. آنها به تشکیل گروهی به منظور گسترش ایدئولوژی شیعه و آسیب زنده به اسلام متهم شدند. بدون هیچ گونه توضیح رسمی بیش از ۳۰۰ شیعه، اواخر ژوئن ۲۰۰۹ دستگیر شدند.^۱ یکی از آنها شیخ حسن شحاته، روحانی سنی بود که به دلیل توهین به حریم صحابه، اقدام علیه امنیت ملی و گرویدن به تشیع از سمتش (امام مسجد شهدا الجماعه) کنار گذاشته و زندانی شد.^۲ مطابق اعلام نیروهای امنیتی مصر، شحاته در دوره زمانی که مقامات مصری اعضای یک هسته وابسته به حزب الله را در سال ۲۰۰۹ دستگیر کردند، دوبار به ایران سفر کرده بود.^۳ محمد الدرینی، ریاست رسمی جامعه شیعیان در مورد دستگیری شیعیان گفت: دستگیری‌ها با انگیزه ملاحظات سیاسی به ویژه افزایش احساس تهدید از حزب الله صورت گرفته است. حزب الله لبنان دولت مصر را به دلیل امتناع از گشودن مرز غزه طی محاصره غزه در اواخر دسامبر ۲۰۰۸ و ژانویه ۲۰۱۰ مورد نکوهش قرار داد. چند ماه پیش از آن دولت مصر حدود ۵۰ نفر را به توطئه مشترک با حزب الله به منظور حمله به گردشگران و زیرساخت‌های امنیتی در صحرای سینای مصر متهم کرد.^۴ سپتامبر ۲۰۰۹ دو وکیل مصری علیه دولت به دلیل توقف فعالیت شبکه تلویزیونی شیعه توسط ماهواره مصری نایل ست (به بهانه توهین این شبکه به نمادهای مقدس سنی‌ها) اقامه دعوا کردند.^۵ دو وکیل اسلام‌گرا نیز علیه وزیر اطلاع‌رسانی و ریاست ماهواره نایل ست اقامه دعوا کردند و خواستار توقف فعالیت شبکه فدک به دلیل توهین به عایشه و خلفای اسلامی شدند.^۶ یک سال بعد، در اکتبر ۲۰۱۰ مأموران قضایی مصری ۱۲ شیعه را به ترویج دکتین شیعه، توهین به صحابه پیامبر و توطئه برای سرنگونی رژیم حاکم و دریافت کمک‌های مالی خارجی متهم کرد.^۷

هویت‌گرایی شیعیان پس از انقلاب مصر

از زمان انقلاب ۲۵ ژانویه مصر، هویت مذهبی این کشور به دلیل ظهور مجدد گروه‌های

1. Islamopedia online, "Shiite Muslims," (www.islamopediaonline.org/country-pro).

۲. «شیعه و اتهامات ناروا»، مرکز نشر آثار و اندیشه‌های آیت‌الله العظمی شیرازی.
<http://www.shirazi.ir/librari/shia-va-ettehamat/02.htm>

۳. همان.

۴. همان.

5. Media Network, "Egyptian Lawyers Sue NileSat over Shia TV Channel," September 27, 2010.

6. Ibid.

7. (<http://www.egyptindependent.com>), October 11, 2010.

به منظور حمایت از حقوق شیعیان به عنوان یک اقلیت مهم در مصر، در دوران پس از مبارک مرکز حقوق بشری موسوم به مرکز حقوق بشر الفاطمیه تشکیل شد که ریاست آن را بهاء انور، سخنگوی رسمی شیعیان مصری بر عهده دارد. در حال حاضر، برخی رسانه‌ها و مطبوعات مصری با هدف توهین و تحقیر از لفظ «گروهک خمینی» برای شیعیان استفاده می‌کنند

سلفی تندرو و قدرت‌یابی اخوان المسلمین و به‌ویژه انتخاب یکی از اعضای اخوان به عنوان رئیس‌جمهور، متحول شده است. در فضای سیاسی و اجتماعی پس از سرنگونی حسنی مبارک، تلاش‌های شیعیان برای حضور در عرصه سیاسی و اجتماعی با تهدیدات سلفی‌ها مواجه شده است. به طوری که رهبران سلفی به شدت تمایل شیعیان مصر برای ایجاد حزب سیاسی را رد کرده‌اند و خواستار مقابله سنی‌ها علیه این

روند شده‌اند.^۱ انتخاب محمد مرسی (عضو اخوان المسلمین) به عنوان رئیس‌جمهور مصر، بر چالش‌های شیعیان افزوده است. مطابق برخی گفته‌ها و گزارش‌ها محمد مرسی ظاهراً نظر مساعدی در مورد نیات و فعالیت‌های مذهبی، فرهنگی و سیاسی شیعیان ندارد.^۲ به طوری که سخنگوی سازمان امنیت مصر از دستگیری ۷۷ شیعه با دستور محمد مرسی، رئیس‌جمهور مصر به اتهام پیوستن به حزب شیعی التحریر خبر داد.^۳ از زمان آغاز انقلاب مصر در ژانویه ۲۰۱۱، شرایط سیاسی و اجتماعی مصر برای اقلیت شیعه در نوسان بوده است. در آغازین روزهای منتهی به انقلاب و پس از آن شیعیان با فضای بازتر برای بیان دغدغه‌ها و آرمان‌های خود رو به رو شدند. به طوری که در میدان التحریر شعارها و پرچم‌های آنها مضمون‌هایی مربوط به قیام عاشورا داشتند.^۴ سپتامبر ۲۰۱۱، هم‌زمان با ظهور جنبش‌های اسلام‌گرای سنی (به‌ویژه با گرایش سلفی و وهابی) در صحنه سیاسی، شیعیان مصر تمایل خود برای شرکت در انتخابات پارلمانی را اعلام کردند. همچنین رهبران شیعه نیت خود برای ایجاد حزب سیاسی موسوم به حزب اتحاد و آزادی را مطرح کردند. محمد النفیس، بینان‌گذار این حزب می‌گوید: «به دلیل اینکه مشارکت سیاسی به حقی برای تمام مصری‌ها تبدیل شده است، ما نیز

۱. «قول مرسی به سلفی‌های مصر در مبارزه با تشیع»، شیعه نیوز، کدخبر: ۵۳۹۷۸، ۱۳ فروردین ۱۳۹۲.

(<http://www.shia-news.com>)

۲. «با دستور محمد مرسی انتشار مذهب شیعه در مصر متوقف شد»، پایگاه خبری تحلیلی قم‌فردا، کدخبر: ۶۴۹، ۱۵ فروردین ۱۳۹۲، (<http://www.qomefarda.ir/news/649>)

۳. «بازداشت ۷۷ شیعه در پی دستور مرسی»، خبرگزاری عتبات، کدخبر: ۴۵۵۴، ۲۸ فروردین ۱۳۹۲.

<http://www.atabatnews.ir/shownews.php?idnews=4554>

4. <http://imhussain.com/eng/index.php>, July 19, 2012





فعالیت سیاسی نسبتاً رسمی شیعیان در مصر هر چند با مخالفت‌های جدی و مشکلات فراوان رو به روست، اما نویدبخش آینده‌ای روشن‌تر پیش روی شیعیان در این کشور است. فضای سیاسی متعادل‌تر بعد از انقلاب به شیعیان اجازه داده که بتوانند برای احقاق حقوق خود تلاش بیشتری داشته باشند. به طوری که حزب التحریر متناسب به شیعیان مصر به رغم موانع بسیار با دریافت مجوز رسمی به عنوان اولین حزب سیاسی شیعه بعد از انقلاب ۲۰۱۱ به ریاست احمد راسم النفیس آغاز به کار کرد

باید در پارلمان مانند سایر جریان‌ها نماینده داشته باشیم». با وجود این، سلفی‌ها مخالفت خود را با تشکیل حزب سیاسی شیعی اعلام کرده‌اند. برای نخستین بار در تاریخ مدرن مصر، شیعیان با بهره‌برداری از فضای آزاد پس از حسی مبارک، مقابل سفارت عربستان در قاهره تجمع کردند و موضع‌گیری عربستان در قبال فتوای تخریب اماکن مقدس و نیز حمایت این کشور از جنبش‌های سلفی در مصر را محکوم کردند. معترضان اعلام کردند، عربستان در بسیج سلفی‌ها برای ناامن‌سازی مصر و به خطر انداختن صوفی‌ها و قبطی‌ها نقش آفرینی می‌کند.^۱ در آگوست ۲۰۱۲، پس

از انتخاب محمد مرسی به عنوان رئیس‌جمهور مصر، شیعیان مصر خواستار شناسایی رسمی توسط دولت، مجوز ایجاد حسینیه‌ها و سهم ثابتی از کرسی‌های پارلمان ملی شدند.^۲ محمد غنیم،^۳ ریاست سازمان جریان شیعیان مصر از محمد مرسی و نیز دستگاه مذهبی الازهر خواست که مطالبات آنها را مد نظر قرار دهند.

نیروهای امنیتی مصر همچنان به مقابله و مهار کنش‌های سیاسی و مذهبی شیعیان می‌پردازند. به طوری که مراسم عاشورا در دسامبر ۲۰۱۱، در مسجد امام حسین (ع) قاهره را برهم زدند و مدعی شدند شهروندان غیر شیعه به این مراسم‌ها، واکنش خشونت‌آمیز نشان خواهند داد.^۴ واکنش به دیدار علی کورانی، روحانی شیعه لبنانی تبار (مقیم شهر قم) از مصر، در می ۲۰۱۲ به ویژه واکنش رسانه‌ای به آن، نشان‌دهنده ابعاد سیاسی و حساس مسئله است. به طوری که رسانه‌ها این سفر را همسو با طرح‌های ایران برای نفوذ در مصر از طریق شیعیان دانستند. در نتیجه مقامات مصری نخستین حسینیه شیعیان مصر را که توسط علامه علی کورانی در قاهره بازگشایی شده بود، تعطیل کردند،

1. <http://www.egyptindendent.com>, April 10, 2011.

2. www.alarabiya.net, August 29, 2012.

۳. پزشک و فعال سیاسی شیعه مصر که پس از انقلاب اسلامی ایران و در زمان تحصیلات دانشگاهی خود با مطالعه کتاب‌هایی درباره امام خمینی (ره) به مذهب تشیع گرویده است، درباره خود این چنین می‌گوید: «من تنها فرد شیعه در خانواده خود هستم و پس از تشریف به تشیع، چند ماه به دستور مراجع قضایی مصر زندانی شدم».

4. (<http://www.egyptindependent.com>), December 7, 2011.



کتاب‌ها و سایر تولیدات صوتی و تصویری را توقیف کردند. دانشگاه الازهر، انجمن شرفای مصر، وهابیون و سلفیون و وزارت امور دینی مصر سفر آقای کورانی را محکوم کرد.^۱ روحانیون سنی سخنرانی‌ها و همایش‌های مذهبی را که آقای کورانی در آن شرکت کرده بود، محکوم کرده و این‌گونه اقدامات را خط قرمز غیر قابل قبول و تلاش برای گسترش دکتترین شیعه در مصر توصیف کردند. همچنین روحانیون منتقد سنی تلاش کردند بر محتوای قانون اساسی با هدف مهار و کنترل عقاید شیعیان اثر بگذارند.^۲ نکته مهم اینکه محمود عاشور، رئیس مجمع تقریب مذاهب اسلامی الازهر با ساخت و بازگشایی این حسینیه مخالفت کرد. با وجود بسته شدن این حسینیه، محمد الدیرینی^۳ و محمود حامد^۴ از رهبران و فعالان شیعه مصر ضمن ارائه شکایت‌هایی درباره نبود آزادی بیان و عقیده در مصر و اقدامات تکفیری وهابیون و سلفیون در این کشور، از علی جمعه، مفتی مصر و احمد الطیب، شیخ الازهر خواستند که بر فتوای شیخ شلتوت صحنه گذاشته و آن را تأیید کنند.^۵ کمک همه‌جانبه سعودی از سلفیان باعث حملات مکرر آنها به مذهب شیعه است، همان‌گونه که همین سلفیان به الازهر به دلیل دفاع از تشیع و تدریس فقه شیعی به عنوان یکی از مذاهب اسلامی حمله می‌کنند.

انقلاب مصر (به رغم فشارهای جریان‌های تندروی اسلامی که عمدتاً مورد حمایت عربستان هستند) در مقایسه با دوران مبارک تا حد زیادی باعث آزادی دینی اقلیت‌ها شده و شیعیان نیز می‌توانند در این فضا بر محور هویت‌گرایی شیعی خود فعالیت کنند. به منظور حمایت از حقوق شیعیان به عنوان یک اقلیت مهم در مصر، در دوران پس از مبارک مرکز حقوق بشری موسوم به مرکز حقوق بشر الفاطمیه تشکیل شد که ریاست آن را بهاء انور، سخنگوی رسمی شیعیان مصری بر عهده دارد. در حال حاضر، برخی رسانه‌ها و مطبوعات مصری با هدف توهین و تحقیر از لفظ «گروهک خمینی» برای شیعیان استفاده می‌کنند. فشار علیه شیعیان به قدری شدید بوده که حتی مؤسسات غیردولتی مدافع حقوق بشر نتوانسته‌اند بر آورد دقیقی از وضعیت شیعیان مصر تهیه

۱. «عصانیت سلفی‌ها و الازهر»، سایت تحلیلی خبری عصر ایران، کد خبر: ۲۰۱۳۵۰۲، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۱.
<http://www.asriran.com>

2. Elhanan Miller, Times of Israel (www.timesofisrael.com), July 26, 2012.

۳. از بنیان‌گذاران حزب الغدیر و رئیس مجلس اعلای آل‌البیت (ع).

۴. سخنگوی جریان جوانان شیعی مصر.

۵. «سلفی‌ها: الازهر حسینیه را تخریب کند»، خبرگزاری فارس، ش ۱۰۶۶۰۰۱۰۲۲۰۱۳۹۱، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۱.
<http://www.farsnews.com>

۶. «مرکز مطالعات مصری: تعداد شیعیان ۵ میلیون نفر است»، پایگاه بین‌المللی همکاری‌های خبری شیعه، ۳ بهمن ۱۳۹۱.
<http://www.shafaqna.com>



و منتشر کنند.^۱ شیعیان مصر از مسجد و حسینیه محروم هستند. کتاب‌های شیعی به ندرت یافت می‌شود و تنها در نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب قاهره می‌توان چنین کتاب‌هایی یافت. علما و روحانیون شیعه در مصر حضور ندارند حتی مراجع تقلید در مصر وکیل و نماینده ندارند. به رغم این مواجهه شیعیان با محرومیت‌های مختلف، وهابیت به دلیل هراس از قدرت‌یابی شیعیان در مصر، همواره مذهب تشیع و شیعیان را مورد حمله قرار داده و علیه آنان تبلیغ می‌کنند. از جمله اقدامات ضدشیعی وهابیون در مصر، توزیع کتب ضد شیعی در این کشور است. اما به هر حال باید گفت وضعیت شیعیان پس از سرنگونی رژیم حسنی مبارک بهتر شده است. شیعیان مصر هر جمعه در مسجد رأس الحسین (ع) گرد هم می‌آیند و ارتباط و پیوندهای خود را تقویت می‌کنند. البته اخیراً بسته شدن این مسجد و برخی دیگر از اماکن مقدس شیعه در مصر (با فشار سلفی‌های مورد حمایت عربستان) به بهانه تعمیر و مرمت، اعتراض شیعیان را در پی داشته است. البته شیعیان به منظور کاستن از فشارهای داخلی علیه خود به دنبال بهره‌گیری از اثرگذاری و فشار امریکا بر دولت مصر در مقابله با جریان‌های تندروی ضدشیعی هستند. به طوری که محمد غنیم، ریاست سازمان جریان شیعیان مصر به نمایندگی از شیعیان مصر به امریکا سفر کرد و با تعدادی از نمایندگان کمیته «آزادی‌های دینی» در کنگره امریکا دیدار کرد و در مورد شیوه‌های سرکوب شدن، تبعیض طایفه‌ای و پایمال شدن حقوق شیعیان توسط دولت مصر و تصمیمات ضدشیعی مقامات دانشگاه الازهر سخن گفت. بهاء انور که به سخنگوی شیعیان مصر معروف است نیز در ضیافت شام سفارت امریکا در قاهره، پایتخت مصر شرکت و در حاشیه آن ضیافت با سفیر امریکا دیدار و در مورد مشکلات شیعیان مصر گفت و گو کرد.^۲

پس از انقلاب مصر علاوه بر شیعیان سایر اقلیت‌های دینی به ویژه مسیحیان با چالش‌های جدی رو به رو شدند. به طوری که خبر اتخاذ موضعی واحد میان کلیسای ارتدوکس و رهبران شیعه مصر رخدادی مهم به شمار می‌رود. بعد از درگذشت «الشنوده» پاپ سابق، کلیسا اقدام به برقراری روابط با صوفیه کرده است. به طوری که امیر رمزی، مشاور قانونی کلیسا پیمان صوفی - قبطی را برای مواجهه با حزب اسلام‌گرا (تندرو) در انتخابات پارلمان، اتخاذ کرد. تواضروس، پاپ جدید به برقراری

۱. «اولین سایت شیعه در مصر راه اندازی شد»، شیعه آنلاین، کد خبر: ۱۷۶۹۱، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۰.

<http://shia-online.ir>

۲. «شیعیان مصر به کنگره امریکا متوسل شدند»، شیعه آنلاین، کد خبر: ۲۵۷۲۲، ۳۰ مهر ۱۳۹۱.

<http://www.shia-online.ir>



روابط گسترده با شیعیان تأکید دارد و در عین حال تمایلی به علنی کردن این موضوع ندارد. دعوت مخفیانه وی از انور محمد، سخنگوی شیعیان مصر برای حضور در جشن سال نو میلادی، نمونه این اقدام بود. از سوی دیگر، انور محمد عضو حزب «غدا الثورة»، گفتگوهای بین شیعیان و قبطی‌ها و صوفیه را جهت آمادگی برای انتخابات آینده تأیید کرد و گفت: «این هم پیمانی به دلیل نگرانی از شکنجه‌های احتمالی شیعیان مصر و ضایع شدن حقوق قبطی‌ها، صورت گرفته است»^۱.

فعالیت سیاسی نسبتاً رسمی شیعیان در مصر هر چند با مخالفت‌های جدی و مشکلات فراوان رو به روست، اما نویدبخش آینده‌ای روشن‌تر پیش روی شیعیان در این کشور است. فضای سیاسی متعادل‌تر بعد از انقلاب به شیعیان اجازه داده که بتوانند برای احقاق حقوق خود تلاش بیشتری داشته باشند. به طوری که حزب التحریر منتسب به شیعیان مصر به رغم موانع بسیار با دریافت مجوز رسمی به عنوان اولین حزب سیاسی شیعه بعد از انقلاب ۲۰۱۱ به ریاست احمد راسم النفیس آغاز به کار کرد. در این راستا، سازمان‌های بین‌المللی و گروه‌های مردمی در سراسر دنیا نیز باید برای مقابله با این تبعیض و ظایف خود را انجام دهند.^۲

نتیجه‌گیری

قدرت‌یابی دولتی شیعی در مصر به ویژه فاطمیان، موجب ارتقای جایگاه تشیع در این کشور شد. به طوری که مسجد جامع الازهر که توسط فاطمیان بنا شد، به بنای مهم اهل سنت در تمام جهان اسلام تبدیل شد. با ورود صلاح‌الدین ایوبی به دستگاه خلافت فاطمی، تضعیف سازمان‌های دینی و اسماعیلی توسط وی آغاز شد و به تقویت اهل سنت پرداخت، اما نتوانست کاملاً مذهب تشیع را در مصر محو کند. با سقوط دولت فاطمی تشیع تضعیف و نظام اهل سنت بر مصر مسلط شد.

به رغم آزادی نسبی شیعیان مصر از دهه ۱۹۴۰ تا اواخر دهه ۱۹۷۰، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران فشار علیه آنها و تبلیغات ضدشیعی در میان گروه‌های اسلامی و مردم مصر افزایش یافت. اندکی بعد حتی فعالیت جمعیت تقریب مذاهب متوقف شد و سازمان‌های شیعی منحل شدند. عناصر اسلامی و برخی نویسندگان و استادان دانشگاه به اتهام تشکیل سازمان‌های جهادی با پشتیبانی مالی ایران دستگیر شدند. حسنی

۱. «احتمال اتخاذ موضعی واحد میان مسیحیان و شیعیان مصر در آینده نزدیک»، شیعه آنلاین، کدخبر: ۵۰۸۹۹، ۲۷ دی ۱۳۹۱ (<http://www.shia-online.ir>)

۲. «بررسی وضعیت حقوق بشر شیعیان در مصر»، همان.



مبارک بیشتر شیعیان را به پیروی از ایران و نه دولت خود متهم می کرد. همچنین تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر جامعه مصر سبب شد بسیاری از مصری ها به تشیع روی آوردند. با پایان جنگ ایران و عراق و آغاز دهه ۱۹۹۰ فشار بر شیعیان کاهش یافت، اما سرکوب ها و دستگیری ها همچنان ادامه داشت.

رهبران شیعه مصر بر این باورند که بعد از انقلاب ۲۰۱۱ مصر همچنان شرایط پرفشار علیه شیعیان مصر ادامه دارد. مشکلات شیعه تنها منحصر به مسائل امنیتی و حکومتی نیست، بلکه تبلیغات شدیدی علیه شیعیان کشور صورت می گیرد. با انتخاب محمد مرسی به عنوان رئیس جمهور مصر، شیعیان خواستار شناسایی رسمی توسط دولت، دریافت مجوز ساخت حسینیه ها و سهم ثابتی از کرسی های پارلمان ملی شدند.

به طور کلی، به رغم فشارهای جریان های تندروی مورد حمایت عربستان، انقلاب مصر در مقایسه با دوران مبارک تا حد زیادی باعث آزادی دینی اقلیت ها شده و شیعیان نیز می توانند در این فضا بر محور هویت گرایی شیعی خود فعالیت کنند. فعالیت سیاسی نسبتاً رسمی شیعیان در مصر هر چند با مخالفت های جدی و مشکلات فراوان رو به روست، اما نویدبخش آینده ای روشن تر پیش روی شیعیان این کشور است. فضای سیاسی متعادل تر بعد از انقلاب به شیعیان اجازه داده که بتوانند برای احقاق حقوق خود تلاش بیشتری داشته باشند.